

Literary historical semantics of the word "Qasoreh"

(Received: 2021-10-11 Accepted: 2021-12-22)

Mojtaba Noroozi¹

Mohammad Mokfi Roodi²

Abstract

One of the single-word vocabularies of the Holy Quran is the word "Qasura". This word has been used once in verse 51 of Surah Muddaththir. Different opinions have been expressed about the origin and meaning of this word by the lexicographers, interpreters and translators of the Qur'an. There is also disagreement among lexicographers and commentators as to whether the word is Arabic. Some consider this word to be translated from Persian and some from Abyssinian. This research seeks to answer the question of the origin and meaning of this word in a historical and analytical way. In the poems of Jahiliyyah, Quran and narrations, what is the meaning of this word and can it be accepted that this word is translated from Persian or Abyssinian language?

From a detailed study and analysis of various lexical sources and poems of Jahiliyyah and books of Arabic writers, it is concluded that this word in Arabic has the root of "Qasr" and it is derived out of verbs and quasi-verbs; Therefore, its Arabicness is not acceptable from Persian or Abyssinian language, and the fact that the earlier lexicographers did not mention its Arabicness confirms this view. There are different views on the meaning of this word; the best view is that this word means lion (predator) or shooter hunters.

Keywords: Quran, Qasurah, Qasur, Shir, Persian, Abyssinian, verse 51 of Surah Muddaththir, semantics.



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

1) Assistant Professor of the Department of Qur'anic Sciences and Tafsir. University of Sciences and Education of the Holy Quran. Mashhad, Iran. (The Corresponding Author) Email: m.noruzi@quran.ac.ir

2) Master's student of Mashhad Qur'an Education Faculty, Mashhad, Iran. Email: m.mokfirodi@gmail.com





مقاله علمی - پژوهشی، صص ۵۵-۸۰

DOR: 20.1001.1.26455714.1400.5.2.1.3

معناشناسی تاریخی ادبی واژه «قسوره» در قرآن کریم

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱)

مجتبی نوروزی^۱
محمد مکفی رودی^۲



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

چکیده

واژه «قسوره» از واژگان تک کاربرد قرآن است که در آیه ۵۱ سوره مدثر به کار رفته است. عالمان لغت و مفسران درباره ریشه، معنا و اصالت این واژه دیدگاه یکسانی ندارند. برخی این واژه را معرب از زبان فارسی و عده‌ای از زبان حبشی می‌دانند. این پژوهش به روش تاریخی و تحلیلی به دنبال پاسخ به این سوال است که ریشه و معنای این واژه چیست؟ در اشعار جاهلیت، قرآن و روایات این واژه به چه معنایی به کار رفته است و آیا می‌توان معرب بودن این واژه را از زبان فارسی یا حبشی پذیرفت؟ از بررسی تفصیلی و تحلیل منابع مختلف لغوی، اشعار جاهلیت و کتاب‌های معرب نویسندگان این نتیجه به دست می‌آید که این واژه در عربی، دارای ریشه از «قسر» بوده و از آن فعل و شبه فعل ساخته شده است؛ کاربرد این واژه در منابع کهن و اشعار جاهلیت فرضیه معرب بودن آن را از زبان فارسی و یا حبشی رد می‌کند. درباره معنای این واژه هم دیدگاه‌های مختلفی از سوی عالمان لغت و مفسران مطرح شده است که بهترین دیدگاه این است که این واژه به معنای شیر (حیوان درنده) یا شکارچیان تیرانداز می‌باشد.

واژگان کلیدی: قسوره، قسر، معرب فارسی، معرب حبشی، شیر، شکارچی، معناشناسی.

۱) استادیار گروه علوم قرآن و تفسیر دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)، ایمیل: m.noruzi@quran.ac.ir
۲) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد ایران، ایمیل: m.mokfirodi@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. مقدمه

در زبان عربی مثل هر زبان زنده دیگر بر اثر تعاملات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با سایر زبان‌ها و فرهنگ‌ها، کلماتی وجود دارد که از زبان‌های دیگر وارد زبان عربی شده و از اصالت عربی برخوردار نیستند؛ به چنین واژگانی، دخیل یا معرّب نیز گفته می‌شود. این گونه واژگان قبل از نزول قرآن به جهت کثرت استعمال در زبان عربی، معمولاً همراه با تغییراتی در حروف یا اصوات کلمه و حتی بدون تغییرات، معرّب گشته و سپس قرآن این گونه کلمات را به کار برده است. در میان این زبان‌ها، زبان فارسی نیز بی‌بهره نبوده و کلمات زیادی از زبان فارسی به عربی راه پیدا کرده است و تعدادی از آنها هم در قرآن کریم راه یافته است. درباره ریشه، معنا، اصالت عربی یا معرّب بودن این واژگان دیدگاه‌های متفاوتی از سوی لغویان، مفسران و معرّب‌نویسان مطرح شده است. یکی از این واژگان، واژه «قسوره» است. این واژه در قرآن کریم تک کاربرد بوده و فقط یک مرتبه در سوره‌ی مدثر آیه ۵۱ به کار رفته است. در مورد مفرد و جمع بودن این واژه و معانی آن اختلاف وجود دارد؛ برخی این واژه را عربی و برخی اعجمی (غیر عربی) و راه‌یافته از زبان فارسی یا حبشی می‌دانند. این پژوهش به روش تاریخی و تحلیلی به دنبال پاسخ به این سوالات است: ریشه و معنای واژه «قسوره» چیست؟ آیا این واژه در گذر زمان دچار تطور معنایی شده است؟ در اشعار جاهلیت، قرآن و روایات این واژه به چه معنایی به کار رفته است؟ آیا می‌توان معرّب بودن این واژه را از زبان فارسی یا حبشی پذیرفت؟ به کتاب‌های لغت و معرّب‌مختلفی که از صدر اسلام تا این زمان نوشته شده است مراجعه شده و معنای لغوی، اصطلاحی، اصل و ریشه و عربی یا غیرعربی بودن آن مورد بررسی قرار گرفته است. ضمناً در این تحقیق به تفاسیر مختلف، احادیث و روایات و همچنین اشعار جاهلی که این واژه در آنها به کار رفته، مراجعه گردیده و معنای مختلف که برای این واژه در تفاسیر و روایات آمده، نیز بررسی شده است.

۱.۱. اهمیت و ضرورت

یکی از مهم‌ترین مسائلی در فهم صحیح قرآن، شناخت واژه‌های مشکل آن است که این کار سنت امامان معصوم (ع) بوده و روایات زیادی از آنها در رابطه با معنای واژگان قرآن به یادگار مانده است. در میان واژه‌های مشکل قرآن، مبحث معرّب و بررسی آنها در زبان اصلی و چگونگی راه یافتن آنها به زبان عربی از بقیه الفاظ مشکل قرآن، دارای اهمیت بیشتری می‌باشد. به همین علت این واژه‌ها باید از لحاظ لغوی، اصطلاحی، خاستگاه اصلی، معنای آنها در قرآن، دیدگاه لغت‌شناسان، معرّب‌نویسان و مفسران، معنای آنها در اشعار و احادیث رسول خدا (ص) و ... بررسی شود تا بتوان معنای اصلی و درست آنها را به دست آورده و در فهم قرآن به کار برد. زیرا چه بسا عدم شناخت موارد فوق باعث می‌شود که برداشت

نادرستی از آیه صورت گیرد. بنابراین برای فهم صحیح و معنای درست این واژه‌ها تحقیق در مورد آنها لازم و ضروری و از اهمیت و ضرورت بسیار بالایی برخوردار است.

۲.۱. پیشینه تحقیق

در مورد واژه «قسوره»، تاکنون پژوهشی مستقل به رشته تحریر در نیامده، اما در برخی کتاب‌هایی که درباره معرّبات و واژگان دخیل نوشته شده است، به اختصار مطالبی ذکر شده است؛ از جمله در کتاب «واژه‌های فارسی عربی شده» ادی شیر، «واژه‌های فارسی در زبان عربی» شوشتری، «واژه‌های دخیل در قرآن» آرتور جفری که به صورت اجمالی مطالبی درباره این واژه ذکر شده است. بحث مستقل درباره ریشه و معنای واژه در لغت، اصطلاح، قرآن، دیدگاه مفسران و مترجمان، اشعار عرب و روایات معصومان (ع) و همچنین اصالت عربی و معرب بودن و خاستگاه این واژه از ویژگی‌های پژوهش حاضر است که کمتر به صورت منسجم و کامل در منابع پیش گفته صحبت شده است.

۲. ریشه و معنای لغوی واژه «قسوره»

اصل «قسوره» در کتب لغت از ماده (قسر) و از قسر و قسور درست شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۴/۵؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۵/۸؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۷۹۱/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷۰؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۶؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۵۰۶؛ زمخشری، ۱۴۱۷: ۹۹/۳؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۵۴۸۶/۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۱/۵ و ۹۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۵۸/۳؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۸/۷؛ نحاس، ۱۴۲۱: ۵۰/۵)

برخی مانند لیث «قسوره» را جمع قسور بیان نموده‌اند. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۴/۵؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۵/۸؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۲۸۶/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۶۳/۴؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۵/۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷؛ قرشی بنانی، ۱۳۷۱: ۵/۶) ولی ابومنصور این اعتقاد را خطا دانسته و از قول اصمعی و ابن الاعرابی بیان نموده است که «قسوره» واحد قسور می‌باشد. (رک: ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۵/۸؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷) برخی در مورد جمع «قسوره» معتقدند که قساور جمع «قسوره» است. (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵) اما ابن منظور معتقد است که «قسوره» به معنای تیراندازان است و مفردی برایش از لفظش وجود ندارد. (رک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵) ابن سیده از قول لغویان بیان می‌کند که «قسوره» جمع قسور است، ولی خودش معتقد است که قسور و قسوره دو اسم برای شیر هستند، فقط با این تفاوت که قسوره مؤنث شده است؛ مانند اسامه و فرق بین اسامه و قسوره در این است که اسامه معرفه است و قسوره نکره. (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۶)

از بررسی موارد فوق به دست می‌آید که اصل «قسوره»، قسر بوده است و خودش اسم

جمع و عام می‌باشد و جمعش قساور است. با توجه با اینکه ریشه «قصور» را قسر و قسور می‌دانند، ابتدا به بیان معنای این دو واژه می‌پردازیم:

۲. ۱. قسر و قسور

واژه «قصور» از اصل «قسر» بنا شده است و برخی نیز «قصور» را بیان نموده‌اند، به همین دلیل اول معنای این دو را بیان نموده و در ادامه به معناشناسی «قصور» پرداخته خواهد شد. در مورد معنای قسر و قسور مطالب گوناگونی بیان شده است. من جمله:

۱- واژه قسر که اصل کلمه «قصور» است، اصل واحدی است که به معنای غلبه کردن با شدت و زور می‌باشد. (رک: ابن فارس، ۱۴۰۴: ۸۸/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷۰؛ زمخشری، ۱۴۱۷: ۹۹/۳؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۵۴۸۶/۸؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۵۸/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۱/۵؛ فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۲۰۱/۲؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۸/۷؛ موسی، ۱۴۱۰: ۸۱۶/۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۵۵/۹) بنابراین قسر به معنای مجبور کردن با ناراحتی و نارضایتی به کار رفته است. (رک: ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۵/۸؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۲۸۶/۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۵۸/۳؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۸/۷) قَسْرُهُ علیٰ أمر یعنی او را مجبور به انجام آن کار کرد. (جوهری، ۱۳۷۶: ۷۲۹/۲) مهدوی معتقد است که معنای قسر به معنای غلبه و قهر است و با شیر یا پرشکوه کاملاً مناسبت معنایی دارد. (رک: مهدوی، ۱۳۹۳: ۵۹۳) اقتسار و اقتسار از باب افعال و افتعال نیز به همین معنا می‌آید. (رک: طریحی، ۱۳۷۵: ۴۵۸/۳؛ موسی، ۱۴۱۰: ۲۵۱/۱)

۲- قَسْر در معنای نام یک قبیله کوچک از بَجِیلَه (جوهری، ۱۳۷۶: ۷۲۹/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵؛ فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۲۰۱/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۵۸/۳؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷)، به معنای چوپان (ازهری، ۱۴۲۲: ۳۰۵/۸)، نام مکان (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۲۹/۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷)، نام کوهی به نام سرآه در یمن (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷) و قسور به معنای صیاد و است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۴/۵؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۵/۸؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۲۸۶/۵؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵) و نیز قسور نام نوعی درخت (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵) و گیاه می‌دانند. (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱۱۷۶/۲؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۲۸۶/۵؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۷۲۹/۲؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۵۴۸۶/۸) مرتضی زبیدی این معنا را مجازی قرار داده است. (رک: مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷) برخی معتقدند که قسور نام گیاه سُهلی است که مفردش «قصور» می‌باشد. (رک: ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۶؛ فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۲۰۱/۲) ابوحنیفه به گیاهی شور مزه از گیاهان بیابانی که مثل موی سر مردان بزرگ می‌شود و شتر به آن خیلی حریص است، قسور گفته است. (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۶) ابومنصور معتقد است که قسور نام گیاه معروفی است که خودش این گیاه را در بیابان دیده است. وی اصمعی و ابن الاعرابی را نیز بر همین اعتقاد

می‌داند. (رک: ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۵/۸) زمخشری قسور را به معنای گیاهی که خوب بزرگ و قوی شده و به نهایت رشد رسیده است، معنا نموده است. (رک: زمخشری، ۱۴۱۷: ۹۹/۳) به نظر می‌رسد که منظور همه از گیاهی که قسور نام دارد، یکی باشد و فقط تفاوت در بیان است.

۳- قسور به معنای تیرانداز می‌باشد. (رک: ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۵/۸؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۲۸۶/۵؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۶؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۵۴۸۶/۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵) یا به معنای صیادان تیرانداز. (فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۲۰۱/۲)

۴- قسور به معنای شیر (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۶؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۶۳/۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵؛ موسی، ۱۴۱۰: ۸۱۶/۲) یا حیوان شکاری آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵)

۵- قسور به معنای نصف شب یا اولش یا بیشترش نیز آمده است. (رک: فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۲۰۱/۲)

۶- قسور به معنای جوان نیرومند و دلاور (جبران مسعود، ۱۳۸۹: ۱۳۶۶/۲)، توانا و پیروز است. (جبران مسعود، ۱۳۸۹: ۱۳۶۶/۲) و مرد مسن و پیر به کار رفته است. این معنای مجازی قسور است. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷)

با توجه به معناهای مختلفی که برای «قسر» و «قسور» بیان شده است، به نظر می‌رسد که اصل در معنای قسر و قسور که اصل واژه «قسوره» است، غلبه و قدرت می‌باشد که کاملا با معنایی مانند: تیرانداز، شیر، فرد توانا و ... که برای واژه «قسوره» بیان نموده‌اند، نسبت معنایی دارد. بنابراین «غلبه و قدرت» در معنای این واژه جایگاه ویژه دارد و باید مد نظر قرار گیرد.

۲.۲. «قسوره»

«قسوره» نیز به معنای مختلفی گرفته شده است. سیوطی این واژه را از واژه‌های مشترک بیان کرده است (رک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۴۳۹/۲) یعنی واژگانی که دارای معانی مختلفی هستند.

۱- «قسوره» به معنای تیرانداز است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۵/۵؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۵/۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷۰؛ زمخشری، ۱۴۱۷: ۹۹/۳؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۵۴۸۶/۸؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۵۸/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۶/۵) یا تیرانداز ماهری که تیرش به هدف خورد. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۵۵/۹) برخی «قسوره» را به معنای صیادان تیرانداز می‌دانند. (رک: جوهری، ۱۳۷۶: ۷۲۹/۲؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۶۳/۴؛ قرشی بنانی، ۱۳۷۱: ۵/۶)

۲- بعضی معتقدند که به معنای شیر می‌باشد. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۵/۵؛ ابن درید، ۱۹۸۸: ۱۷۹/۲؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۲۸۶/۵؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۷۲۹/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲:

۶۷۰: زمخشری، ۱۹۷۹: ۵۰۶؛ زمخشری، ۱۴۱۷: ۹۹/۳؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۵۴۸۶/۸؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۵۸/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵؛ فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۳۸۹/۳؛ هروی، ۱۳۷۸: ۳۰۸؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۸/۷) شیر را به خاطر غلبه و قدرتش «قسوره» نامیده‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۸۸/۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۸/۷؛ موسی، ۱۴۱۰: ۸۱۶/۲؛ قرشی بنانی، ۱۳۷۱: ۵/۶) ابن درید و راغب «قسوره» را به معنای صائد (حیوان شکاری) بیان کرده‌اند. (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱۱۷۶/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۵۵/۹) ابن درید در جایی دیگر از کتابش همین مطلب را آورده و نسبت به این معنا اعلام ناشناختی می‌کند. (رک: ابن درید، ۱۹۸۸: ۱۱۷۹/۲) احتمالاً منظور از حیوان شکاری، همان شیر باشد.

۳- ابن عیینه از قول ابن عباس «قسوره» را به معنای رِکْزُ النَّاسِ (حس و صدای مردم) بیان کرده است. (ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۶/۸؛ زمخشری، ۱۴۱۷: ۹۹/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۶/۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۸/۷) این سخن ابن عباس دو توجیه و وجه دارد: الف) منظور از «قسوره» صدای آهسته است. ب) یعنی قَرَّتْ مِنْ رِکْزِ الْقَسُورَةِ، بعد رِکْزِ «قسوره» را به رِکْزِ النَّاسِ تفسیر کرده است. (رک: زمخشری، ۱۴۱۷: ۹۹/۳) «قسوره» خودش به معنای رِکْزِ است و رِکْزِ به معنای حس و صدای آهسته به کار رفته است. (رک: ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۵۸/۲؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۷۲/۸) «قسوره» یعنی جماعت مردان یا جماعت تیراندازان، آنها را به اسم صدایشان نام برده است. (رک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۶/۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۷۲/۸) ابن منظور از قول ابن عباس می‌گوید که «قسوره» یعنی نِکْرُ النَّاسِ و نِکْرُ النَّاسِ یعنی حس و صداهای مردم. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵)

۴- برخی «قسوره» را به جماعت مردان (رک: زمخشری، ۱۴۱۷: ۹۸/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۶/۵) و مردان شجاع (ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۶/۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۹۰/۷) و هر فرد سرسخت و قوی می‌دانند. (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۶۳/۴؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۹۰/۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۵۵/۹) همچنین به معنای جوان قوی و نیرومند ذکر کرده‌اند. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۲۸۶/۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷) یعنی جوانی که قوی است و جوانی‌اش به پایان رسیده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«أنا الذي سمتني أمي حَيْدَرَهُ أَضْرِبُكُمْ ضَرْبَ غَلَامٍ قَسُورَةٍ». (زمخشری، ۱۹۷۹: ۵۰۶؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷)

«من همان فردی هستم که مادرم مرا حیدر نامید. مانند یک جوان قدرتمند و شجاع شما را خواهم زد.»

۵- «قسوره» به معنای تاریکی اول شب است. (ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۶/۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵) برخی گفته‌اند: نصف اول شب یا اول شب تا سحر و یا بیشتر شب. (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۸/۷؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۶)

۶- به نوعی از درخت نیز «قسوره» گفته شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵) زبیدی معتقد است که «قسوره» به معنای گیاهی به نام سُهلی است که بزرگ و تنومند می‌شود و شتر خیلی به آن علاقه دارد و باعث فربه شدن شتر می‌گردد. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۸/۷) در مورد گیاه قبلا بیان شد، ولی ابن منظور در کتابش معنای درخت را بیان کرده است.
۷- مصطفوی شتر قدرتمند و فربه را به عنوان یکی از مصادیق «قسوره» بیان کرده است. (رک: مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۵۵/۹)

تقریباً همان معنای ای که برای «قسر» و «قسور» بیان شد، درباره «قسوره» هم گفته شده است و همان طوری که اشاره شد اصل واژه «قسوره» به معنای «غلبه و قدرت» می‌باشد که در بیشتر معانی ذکر شده صدق می‌کند.

۳. معنای «قسوره» در اشعار عرب

واژه «قسوره» و مشتقاتش در اشعار جاهلی و عرب به صورت گسترده و با معانی مختلفی به کار رفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- قسمت اعظم از شب

تَوَيْتُ بِنِ حُمَيْرٍ اَيْنَ شَعْرٍ رَا سِرْوَدَهٗ اَسْتِ كِه:

و قَسْوَرَةُ اللَّيْلِ التِّي بَيْنَ نِصْفِهٖ و بَيْنَ الْعِشَاءِ قَدْ دَأَبْتُ اَسِيرُهَا (ابن منظور، ۱۴۱۴:

۹۲/۵؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷)

عادت همیشگی ام این است که نیمه شب اول یعنی بین عشا و نیمه شب حقیقی راه می‌پیمایم.

قسوره در این سیاق با توجه به واژه «عشا» و «نصف اللیل» منظور زمانی شبیه نیمه شب شرعی است.

۲- نام گیاه مخصوص

قال السَّعْدِيُّ: قَلْتُ لِنَابٍ فِي الْمَخَاضِ حَشْوَرَةَ اَلَا تَحْنِيْنُ لَوْرِدِ قَسْوَرَةَ (شيباني، ۱۹۷۵: ۳۰۹/۱)

«به ماده شتر سالخورده ام که آبستن و شکمش گنده شده بود، گفتم آیا دلت به حال این گیاه قامت کشیده نمی‌سوزد؟»

در اینجا بلکه منظور ویژگی‌ها و نوع خاصی از گیاه است که نام علمی گیاه دم موشی و از تیره گل میمون حساب می‌شود. که در بیت به ویژگی گیاه (بلندی و تنومندی) اشاره شده است.

۳- مردان قوی و نیرومند

در شعر ذیل قساور که جمع «قسوره» است به معنای مردان قوی و نیرومند به کار رفته است، لیبید می گوید:

إذا ما هتفنا هتفة في ندینا
 أتانا الرجال العائدون القساور (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۹/۱۰)

« هنگامی که با صدای رسا و بلند در مجلس فریاد زنیم، مردان پناهنده و قوی و نیرومند نزد ما آمدند.

۴- شیر (حیوان درنده)

در این بیت به معنای شیر آمده است، امرؤ القیس می گوید:

و عمرو بنُ درمَاءِ الهامُ إذا غدا
 بذی شطْبِ عَضْبِ كَمِشِيَةِ قَسُورًا (رک: جوهری، ۱۳۷۶: ۱۱۶۸/۳)

«عروبن درمء هنگامی که سپیده دم خارج شد، همراه با شمشیر برنده و همچون شیر راه حرکت می کرد.»

جوهری معتقد است که منظور از قسور در این بیت قسوره (شیر) است.

همان طوری که ملاحظه می شود واژ «قسوره» و متعلقاتش در اشعار جاهلی در معانی مختلفی به کار رفته است که مفهوم نیرومندی شجاعت و توانمندی در بیشتر آن معانی مشاهده می شود.

۴. معرّب بودن واژه قسوره

برخی از لغویان به معرّب و دخیل بودن واژه «قسوره» اشاره کرده اند و برخی دیگر خصوصاً کتاب های لغت قدیمی به این مسأله اشاره ای نکرده اند. در این بحث به مسأله معرّب بودن این واژه می پردازیم:

برخی روایتی را با سند از ابن عباس روایت کرده اند که از وی در مورد «قسوره» سؤال شد، ابن عباس جواب داد که «قسوره» در عربی اسد، فارسی شار، نبطی آریا و حبشی قسوره است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۷/۲۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۸/۱۰؛ معرفت، ۱۴۱۸: ۲۴۸/۱) ابن کثیر همین روایت را با این تعبیر که به قسوره در فارسی شیر و در نبطی آویا می گویند، آورده است. (رک: ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۸۲/۸) وی شار را شیر و آریا یا آویا بیان کرده است. به احتمال زیاد این خطای نوشتاری از طرف ابن کثیر و یا افرادی که این تفسیر را بعدها تایپ و تکثیر نموده اند، باشد.

در برخی روایات دیگر ابن عباس فقط از زبان عربی و حبشی نام می برد. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۳۸۵/۱۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۸/۲۰) برخی فقط حبشی بودن این واژه را از ابن عباس روایت می کنند. (رک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۴۳۵/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۸: ۱۰۵ و ۱۰۶؛ سیوطی، ۱۴۳۱: ۱۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۰۷/۲۰) یوسف بن مهران از ابن عباس روایت

می‌کند که قسوره در زبان حبشی همان اسد (شیر) است و برای اثبات سخن خود این شعر را از فرزدق بیان می‌کند:

إلی هادیات صعاب الرئوس فساروا للقسور الأصبید. (ماوردی، بی تا: ۱۴۹/۶)

بدوی از ابن عباس نقل می‌کند که «قسوره» به معنای شیر از زبان امهری است. (بدوی، ۱۳۸۳: ۲۰۶) وی هیچ سندی برای این روایت و نقل خودش بیان نکرده است. زبان امهری نیز نامشخص است. برخی بدون هیچ روایت و سندی «قسوره» را معرّب از زبان حبشی بیان کرده‌اند. (رک: قمی، ۱۳۸۶: ۱۹۵) شوکانی می‌گوید: یک قول است که «قسوره» در زبان عربی به معنای شیر و در زبان حبشی به معنای تیراندازان است. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴۰۰/۵) از این سخن نیز فهمیده می‌شود که «قسوره» اصالت عربی دارد و ربطی به «قسوره» در زبان حبشی ندارد. ضمناً این قول تمام مطالب گذشته را که «قسوره» در زبان حبشی به معنای شیر است به چالش می‌کشد.

بنابراین عقیده ابن عباس بر این بوده که «قسوره» معرّب از زبان حبشی است، اما ارتباط این سخن به ابن عباس بسیار سخت و مشکل است؛ زیرا در روایات بسیار زیاد دیگری که با سندهای مختلفی از ابن عباس به ما رسیده وی برای واژه «قسوره» معانی مختلف دیگری بیان نموده است که اشاره خواهد شد. برخی نیز روایاتی را برخلاف ابن عباس بیان نموده‌اند. فخر رازی بعد از نقل روایت ابن عباس در مورد حبشی بودن «قسوره»، می‌گوید: عکرمه با این قول ابن عباس مخالفت نموده است و معتقد است که شیر در زبان حبشی، عنبسه نام دارد نه قسوره. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۷۱۶/۳۰) مانند همین روایت در کتب لغت و تفاسیر دیگر نیز آمده است. سعید بن مسروق از عکرمه روایت می‌کند که به عکرمه خبر رسید: «قسوره» در زبان حبشی به معنای شیر است، وی این را قبول نکرده و گفت: «قسوره» به معنای تیرانداز می‌باشد و شیر در زبان حبشی عَبْسَه نامیده می‌شود. (رک: ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۶/۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷) همین روایت در تفاسیر نیز بیان شده است. (رک: فراء، ۱۹۸۰: ۲۰۶/۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۶/۲۹) در نتیجه این قول ابن عباس نمی‌تواند صحیح به نظر برسد و اعتمادی به اینکه «قسوره» از زبان حبشی باشد، نیست.

قاضی تاج‌الدین سبکی در معرّبات که به نظم درآورده است، «قسوره» را نام می‌برد. (رک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۴۳۸/۱) لذا به اعتقاد وی این واژه عربی نیست. سیوطی فقط شعر سبکی را آورده و به دلایل معرّب بودن «قسوره» یا اصل آن هیچ اشاره‌ای نکرده است. زرکشی نیز با استناد به سیوطی این واژه را معرّب از حبشی گفته است. (رک: زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۸۱/۱) برخی نیز بدون بیان هیچ‌گونه سندی به حبشی بودن «قسوره» اشاره نموده‌اند. (رک: علاف، ۱۴۲۲: ۱۶۸/۲؛ صابونسی، ۱۴۰۵: ۲۰۸؛ طاهری، ۱۳۷۷: ۳۲۸/۱) بنابراین، این اقوال به دلیل اینکه مستند نبوده و به احتمال زیاد به همان قول ابن عباس اکتفا شده و ما قبلاً در این مورد

گفتیم که قول ابن عباس درست نیست، قابل قبول نبوده و نمی‌توانیم معرّب بودن «قسوره» را از زبان حبشی قبول نماییم.

ادی شیر گفته است: «القسور: شیر، القسوره: ارجمند، شیر، دلیر و القیسری: مرد نیرومند. همه این واژه‌ها معرّب کشورز (بزرگ) است». (ادی شیر، ۱۳۸۶: ۱۹۰) امام شوشتری قسور را به معنای استوار، شیر، شیردل گفته و بعد نوشته است که «به عقیده ادی شیر این واژه از کشورز که فارسی به معنای بزرگ است به عربی راه پیدا نموده است. جمع کشورز، کشورزیان به معنای بزرگان است. این واژه در عربی ترکیب (قیسری) به معنای مرد نیرومند آمده است و «قسوره» به معنای دلیر و شیر است». (امام شوشتری، ۱۳۴۷: ۵۳۰ و ۵۳۱) این عقیده قابل قبول نیست، زیرا اولاً سخن خودشان با همدیگر تضاد دارد؛ در جایی «قسوره» را به معنای شیر بیان نموده‌اند و باز آن را معرّب کشورز که به معنای بزرگ است قرار داده‌اند. از نظر ظاهر همچنین هیچ مناسبتی بین «قسوره» و کشورز نیست و هرطور که محاسبه نماییم امکان تغییری به این صورت وجود ندارد. هیچ کس قبل از ادی شیر به فارسی بودن «قسوره» اشاره‌ای ننموده است و این خود می‌تواند قرینه و شاهدهی بر این باشد که این واژه معرّب فارسی نیست؛ زیرا اگر می‌بود، باید برخی از کتاب‌های گذشته به این مسأله اشاره‌ای می‌نمودند. بنابراین معرّب بودن این واژه از فارسی قابل قبول نیست.

بلاسی بعد از بیان واژه شناسی و معناشناسی «قسوره» از چندین نفر معرّب بودن این واژه را از زبان حبشی نقل کرده است و معرّب بودن این واژه را از ادی شیر نیز بیان نموده است و به این مسأله که معرّب بودن از فارسی را فقط ادی شیر بیان نموده است، تصریح می‌کند و در آخر خودش میل به این دارد که این واژه معرّب حبشی است. (رک: بلاسی، ۲۰۰۱: ۲۷۸ و ۲۷۹) وی نیز فقط مطالب دیگران را نقل نموده و آنها همان روایت ابن عباس را نقل کرده‌اند و ما قبلاً هر دو قول حبشی و فارسی بودن «قسوره» را نقل و نقد نمودیم و هر دو قول را رد کردیم.

آرتور جفری در مورد معرّب بودن این واژه از حبشی یا فارسی می‌گوید: «اما بررسی فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های مربوط به این زبان‌ها نشان می‌دهد که در زبان آرامی، یا حبشی واژه‌ای که حتی جزئی‌ترین شباهتی به این واژه‌ها داشته باشد، وجود ندارد، هر چند واژه شار تا حدی شبیه واژه شیر فارسی است که در پهلوی (Sher شیر با یاء مجهول) تلفظ می‌شده است. در حقیقت، به عنوان یک قاعده کلی، لغویان در هنگامی که با واژه‌های فارسی سر و کار می‌داشته‌اند، اغلب آراء ایشان به صواب نزدیکتر است، و این شاید بدان دلیل باشد که بسی از این دانشمندان خود از تبار ایرانی بوده‌اند». (رک: جفری، ۱۳۸۶: ۸۷) وی چند صفحه بعد می‌نویسد: واژه‌ای مانند قسوره که در سوره ۷۴ آیه ۵۱ به کار رفته است امروز هم معمای است، پس شگفتی ندارد اگر مایه سردرگمی مفسران و لغویان قدیم نیز شده باشد. این واژه را معمولاً به معنای شیر گرفته‌اند، و سیوطی مراجعی را نام می‌برد که

آن را حبشی دانسته‌اند، اما چنین واژه‌ای در زبان حبشی و هیچ یک از گویش‌های بعدی آن وجود ندارد. واژه‌هایی که عموماً در حبشی برای شیر به کار می‌روند یک واژه است که با اسد عربی یکی است و دیگری واژه (گاهی) که با واژه عنبس عربی برابر است. ادی شیر گمان می‌برد که واژه، ریشه فارسی دارد، اما به نظر می‌رسد که این سخن بی‌پایه است. تا آنجا که انسان می‌تواند تحقیق کند. در هیچ یک از زبان‌های دیگر نیز واژه‌ای نیست که این بن‌بست را بگشاید و شاید آسان‌ترین راه حل آن باشد که آن را صیغه‌ای از قسر بشماریم». (رک: جفری، ۱۳۸۶: ۹۰ و ۹۱)

بنابراین به دلایل زیر معرّب بودن «قسوره» قابل قبول نیست:

۱- «قسوره» با توجه به کتب لغت و تفاسیر دارای اصل (ق س ر) است و از این اصل فعل و شبه فعل ساخته شده است، اگر این واژه معرّب می‌بود، نباید دارای اصلی در زبان عربی باشد. مانند بسیاری از معرّبات دیگر که اصلی در زبان عربی ندارند.

۲- هر کس که «قسوره» را جزء معرّبات بیان کرده است، دلیل و سند قابل اعتباری بیان ننموده است. تنها سند آنها روایتی از ابن عباس است، در حالی که ابن عباس در مورد این واژه روایات زیادی با اختلاف زیادی بیان نموده است و خود کثرت این روایات، روایت معرّب بودن از زبان حبشی را با مشکل روبرو می‌سازد.

۳- اگر «قسوره» معرّب می‌بود، قطعاً در کتاب‌های لغت به صورت گسترده (مانند دیگر معرّبات) به آن اشاره می‌شد، در حالی که بسیاری از کتاب‌های اصیل لغت اصلاً به معرّب بودن این واژه اشاره‌ای نکرده‌اند. کسانی که به معرّب بودن اشاره کرده‌اند، تنها استناد آنها به همان روایت ابن عباس است که آن را قبلاً پاسخ گفتیم.

۴- برخی از افراد محقق معاصر مانند آیت‌الله معرفت نیز اذعان می‌کنند که این واژه از لغت قریش است و معرّب نیست. (رک: معرفت، ۱۴۱۵: ۱۲۸/۵، حفنی، ۲۰۰۴: ۹۷/۱)

۵- زحیلی در مورد عربی بودن این واژه روایتی را بیان می‌کند که برخی از اعراب نسبت به واژه‌های «قسوره»، «کَبَّار» و «عجاب» تردید داشتند و فکر می‌کردند این واژه‌ها در میان عرب کاربرد ندارند. یکی از همان افراد که مسن نیز بود و در این مسأله به قرآن طعن وارد می‌کرد، وارد مجلس رسول خدا (ص) شد، پیامبر اکرم (ص) چندین بار به آن فرد مسن فرمودند: بلند شو و بعد از بلند شدن می‌فرمودند: بنشین؛ آن فرد مسن که از این رفتار رسول اکرم (ص) به خشم آمده بود، گفت: «أ تهزأ أ بی، یا ابن (قسوره)، و أنا رجل (کَبَّار)، إن هذا الشیء (عجاب)!!» بعد پیامبر (ص) فرمودند: آیا این سه واژه عربی هستند؟ وی به ناچار اقرار به عربی بودن این واژگان نمود. (زحیلی، ۱۴۱۱: ۳۴/۱ و ۳۵) از این روایت نیز معلوم می‌گردد که قسوره معرّب نبوده و عربی است. بنابراین با بررسی کتاب‌های لغت، تفسیر و ... به دست می‌آید که این واژه اصالت عربی دارد و معرّب نیست.

۵. مشتقات واژه «قسوره»

همان‌گونه که بیان نمودیم اصل قسر دارای فعل و شبه فعل هست، مانند تمام اصل‌های دیگر زبان عربی، ولی باز هم برخی از مشتقات قسر بیان خواهد شد. از مشتقات قسر می‌توان از قسوری به معنای نوعی از سرگین گردان‌ها و قیسری به معنای شتر تنومند، استوار، بلند و پرقدرت نام برد. (رک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۷) فیروز آبادی قیسری را به معنای بزرگ و نوعی از سرگین گردان دانسته و گفته در مورد شتر به معنای بزرگ می‌باشد و جمعش قیاسر و قیاسره است. (فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۲۰۱/۲) لیث قیسری را به معنای فرد پرهیکل توانای استوار می‌داند. (ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۶/۸؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۹۰/۷) زبیدی در ترجمه قیسری مرد قوی را بیان نموده است. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۹۰/۷) ابو عبیده از فراء نقل می‌کند که قیاسره به معنای شتر بزرگ است. (ازهری، ۱۴۲۱: ۳۰۶/۸) اقتسار به معنای فردی که دارای اختیاری نیست، نیز از مشتقات قسر است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۵۸/۳)

۶. واژگان مترادف «قسوره»

در برخی منابع مانند معجم مقاییس اللغة و الفروق اللغویه در مورد مترادف و اضداد این واژه چیزی وجود نداشت. اما مترادفات واژه «اسد» در لغت عربی زیاد است، که در اینجا به برخی اشاره می‌شود: ۱- لَيْثٌ ۲- ضَرْعَامٌ ۳- عَضْنَفَرٌ ۴- اَسَامَةٌ ۵- هَزْبَرٌ ۶- عُنْبَسَةٌ ۷- وَرْدٌ ۸- حَيْدَرَةٌ ۹- بَرَبْرٌ (رک: اسماعیل صینی، ۱۴۱۴: ۸) ۱۰- جِحْجَاحٌ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۳/۴۰)

۷. «قسوره» در روایات

این واژه و مشتقات آن در برخی احادیث نیز آمده است. در حدیثی امام علی (ع) می‌فرماید: «إِذَا كُنْتُمْ بِالنَّهَارِ عَلَى سَرِيرَةٍ وَ وَضَعْتَ إِكْلِيلَهُ عَلَى رَأْسِهِ ثُمَّ قَالَ لِحَاجِبِهِ اْبْعَثْ إِلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَبَعَثَتْ إِلَيْهِ فَقَامَ حَتَّى دَخَلَ فَلَمَّا بَصُرَ بِهِ وَ بِهِمْ وَ قَدْ اسْتَعْدُوا لَهُ رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ بَعْضُهُ جَهْرًا وَ بَعْضُهُ خَفِيًّا ثُمَّ قَالَ وَ يَلِكُمْ أَنَا الَّذِي أَبْطَلْتُ سِحْرَ آبَائِكُمْ أَيَّامَ مُوسَى وَ أَنَا الَّذِي أَبْطَلْتُ سِحْرَكُمْ ثُمَّ نَادَى يَرْفَعُ صَوْتَهُ قَسُورَةً فَوَثَبَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ عَلَى صَاحِبِهِ فَأَفْتَرَسَهُ فِي مَكَانِهِ وَ وَقَعَ أَبُو جَعْفَرٍ الْمَنْصُورُ مِنْ سَرِيرِهِ وَ هُوَ يَقُولُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَقْلَنِي فَوَ اللَّهُ لَا عُدَّتْ إِلَيَّ مَثَلَهَا أَبَدًا فَقَالَ قَدْ أَقْلَنْتُكَ قَالَ فَرُدَّ السَّبَاعَ كَمَا كَانَتْ قَالَ هَيْهَاتَ إِنْ رَدَّ عَصَا مُوسَى فَسْتَعُودُ السَّبَاعِ.» (مفید (الاختصاص)، ۱۴۱۳: ۲۴۶)

در این حدیث «قسوره» به معنای شیر به کار رفته است. در حدیثی دیگر نیز آن حضرت می‌فرماید: مُرْبُوبُونَ اِقْتِسَارًا. اقتسار از باب افتعال از ریشه و اصل قسر به معنای غلبه و پیروزی می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۲/۵) در روایتی که مبارزه امام علی (ع) را با مرحب نقل می‌کند، آمده است که آن حضرت بعد از رجزخوانی مرحب این بیت را گفت:

أَنَا الَّذِي سَمَّيْتَنِي أُمِّي حَيْدَرَةً لَيْثٌ لَغَابَاتٍ شَدِيدٌ قَسْوَرَةٌ (مفید (الارشاد)، ۱۴۱۳: ۱۲۷؛
مجلسی ۱۴۰۳: ۱۵/۲۱)

در روایتی دیگر آمده است که عبدالله فرزند امام حسن (ع) برای مبارزه بیرون آمده و این اشعار را با خودش تکرار می نمود:

إن تنكروني فأنا ابن حيدرة ضرغام آجام وليث قسورة على الأعادي مثل ریح صرصرة
(مجلسی ۱۴۰۳: ۳۶/۴۵) یعنی اگر مرا نمی شناسید من پسر حیدر کرار هستم که شیر بیشه و شیر ژیان و برای دشمنان نظیر باد صرصر بود.

۸. معنای واژه «قسوره» از دیدگاه مفسران

همان طوری که اشاره شد، این واژه یک مرتبه در سوره مدثر به کار رفته است:

﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ﴾ (مدثر / ۴۹-۵۱)

«چرا آنها از تذکر روی گردانند؟! گویی گورخرانی رمیده اند، که از (مقابل) شیری فرار کرده اند!»

برای «قسوره» در تفاسیر معانی مختلفی ذکر شده است که می توان آنها را در شش دسته تقسیم کرد:

۱- بعضی این واژه را به معنای شیر می دانند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۵۰۰/۴؛ قمی، ۱۳۶۳: ۳۹۶/۲؛ ابو عبیده: ۱۳۸۱: ۲۷۶/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۶/۲۹؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۵۱۹/۳؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۳۸۹/۶؛ ابن ابی زینین، ۱۴۲۴: ۵۱۱/۲؛ دینوری، ۱۴۲۴: ۵۵۴/۲؛ ماتریدی، ۱۴۲۶: ۳۳۰/۱۰؛ طوسی، بی تا: ۱۸۷/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۹۲/۱۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۵۶/۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۹/۲۰) فراء برای همین معنا به روایت کلبی استناد نموده است. (فراء، ۱۹۸۰: ۲۰۶/۳) بقاعی برای شیر صفاتی مثل بزرگ، دارای غلبه و قدرت فوق العاده و ... بیان کرده است. (بقاعی، ۱۴۲۷: ۲۳۸/۸) شیخ علوان گفته «قسوره» به معنای شیر حمله کننده بسیار ترسناک و هولناکی که اراده حمله دارد. (شیخ علوان، ۱۹۹۹: ۴۶۳/۲) طبرانی از ابن عباس نقل می کند: هنگامی که الاغ، شیر را می بیند از او فرار می کند. (طبرانی، ۲۰۰۸: ۳۸۹/۶) طوسی بعد از نقل این مطلب می گوید: «قسوره» به معنای سُبُع یعنی اسد (شیر) است. (رک: طوسی، بی تا: ۱۸۷/۱۰) زمخشری و فخر رازی لُیوُث قساور یعنی شیران گفته اند. (رک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۵۶/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۷۱۶/۳۰) برخی از تفاسیر «قسوره» را از قسر به معنا غلبه و قدرت گرفته اند و شیر چون قدرتش از بقیه حیوانات شکاری بیشتر است، معنا شیر را برای این واژه انتخاب نموده اند. (ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۴۲۵/۱؛ صنعانی، ۱۴۱۱: ۲۶۵/۲، ابن ابی زینین، ۱۴۲۴: ۵۱۱/۲؛ طوسی، بی تا: ۱۸۷/۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۸/۱۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۸/۲۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۵۶/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۷۱۶/۳۰)

۲- گروهی از مفسران معتقدند «قسوره» به معنای تیرانداز یا شکارچی است. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۵۰۰/۴؛ فراء، ۱۹۸۰: ۲۰۶/۳؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۳۸۹/۶؛ دینوری، ۱۴۲۴: ۴۵۴/۲؛ ماتریدی، ۱۴۲۶: ۳۳۰/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰، ۵۹۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۸۲/۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۸/۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۹/۲۰) شیخ طوسی معتقد است به معنای تیراندازی به طرف شکار است. (رک: طوسی، بی تا: ۱۸۷/۱۰) طبری نیز برای تایید این معنا روایات مختلفی بیان نموده است. (رک: طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۶/۲۹) برخی نیز گفته‌اند: «قسوره» به معنای جماعت تیراندازان در حالی که صید می‌کنند، می‌باشد. (رک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۵۶/۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۹۸/۴) برخی به روایت قتاده، «قسوره» را به معنای النبل (تیر) بیان نموده‌اند. (صنعانی، ۱۴۱۱: ۲۶۵/۲) سمرقندی النبل را بیان کرده و در توضیحش تیراندازی را آورده است. (رک: سمرقندی، ۱۴۱۶: ۵۱۹/۳) برخی نیز به معنای شکارچیان تیرانداز ترجمه کرده‌اند. (رک: یزیدی، ۱۴۰۵: ۴۰۰/۱؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۳۸۵/۱۰) برخی نیز به معنای تیرهای شکارچیان (رک: طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۶/۲۹؛ ماتریدی، ۱۴۲۶: ۳۳۰/۱۰؛ طوسی، بی تا: ۱۸۷/۱۰) و شکارچیان می‌دانند. (رک: طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۶/۲۹؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۵۱۹/۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۸/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۹۲/۱۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۸/۲۰) برخی نیز به معنای دام و ریسمان شکارچیان می‌دانند. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۹/۱۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۸/۲۰؛ خازن، ۱۴۱۵: ۳۶۷/۴) این معنا صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا دام و طناب نه صدا دارد و نه دیده می‌شود تا باعث فرار حُرْمُ گردد. فرار کردن قطعاً باید از یک چیز حسی مثل تیر، شیر و ... باشد.

درباره جمع و مفرد بودن واژه برخی عقیده دارند «قسوره» جمع است و واحدی از لفظ خود ندارد. (رک: بغوی، ۱۴۲۰: ۱۸۰/۵؛ خازن، ۱۴۱۵: ۳۶۷/۴) اما در مقابل برخی معتقدند که «قسوره» جمع قسور است و این جمع برخلاف قیاس واقع شده است؛ زیرا وزن فعل جمع بر وزن فعله نمی‌آید. (رک: ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۰۷/۲۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۵۶/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۷۱۶/۳۰)

۳- برخی «قسوره» را بر اساس روایت ابن عباس به معنای رِکْز الناس (حس و صدای مردم) گفته‌اند. (رک: ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۲۵۰/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۷/۲۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۸/۱۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۵۶/۴؛ صنعانی، ۱۴۱۱: ۲۶۵/۲) و برخی نیز به معنای صداهای مردان. (رک: طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۷/۲۹؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۵۱۹/۳)

۴- برخی «قسوره» را به معنای پسران شکارچی از نسل تیراندازان می‌دانند. (رک: طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۶/۲۹) برخی نیز پسران مردان یا جماعت مردان را از ابن عباس روایت نموده‌اند. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۳۸۵/۱۰؛ دینوری، ۱۴۲۴: ۴۵۴/۲؛ یزیدی، ۱۴۰۵: ۴۰۰/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۸۹/۱۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۶/۲۹؛ طوسی، بی تا: ۱۸۷/۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۸/۱۰)

۵- برخی «قسوره» را به معنای تاریکی شب بیان کرده‌اند. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۹/۱۰؛ ابوالفتوح

رازی، ۱۴۰۸: ۳۸/۲۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۵۶/۴) ثعلبی و قرطبی گفته‌اند تاریکی اول شب ملاک است و تاریکی آخر شب را شامل نمی‌شود. (رک: ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۹/۱۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۸۹/۱۹)

۶- عرب برای مردان قوی‌هیکل و قدرتمند، و خشمگین قسور و «قسوره» می‌گوید. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۹/۱۰؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۸۹/۱۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۸/۲۰) برخی معتقدند که «قسوره» در نزد عرب هر چیزی که قوی باشد، خواه انسان و خواه غیر انسان، می‌باشد. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۸/۲۰)

از بررسی تفاسیر مختلف این نکته به دست می‌آید گرچه تفاسیر مختلف معانی متفاوتی برای واژه «قسوره» ذکر کرده‌اند، اما در عین حال این معانی نزدیک به هم بوده و برخی مانند شیر و شکارچی (تیرانداز) به عنوان معنای اصلی آن می‌باشد و معانی دیگر معانی کنایی و استعاری می‌باشند که چون باعث ترس و فرار کردن آنها می‌شود به مناسبت مفهوم آیه بیان شده است. از میان این اقوال بهترین دیدگاه همان دیدگاه اول و دوم یعنی شیر (حیوان درنده) و شکارچی می‌باشد.

۹. مفهوم واژه «قسوره» در ترجمه‌های قرآن

از بررسی ترجمه‌های مختلف فارسی قرآن این نتیجه به دست می‌آید که اکثر مترجمان محترم واژه «قسوره» را شیر ترجمه نموده‌اند، غیر از ترجمه‌های زیر:

۱- خسروی در ترجمه خود این مطلب را (یا مردمان تیرانداز و شکارچی) به همین صورت بعد از شیر آورده است. ترجمه خسروی به خاطر توضیح در مورد «قسوره» که در داخل پراکنش آمده است، از بقیه ترجمه‌ها بهتر است؛ زیرا همراه ترجمه اصلی به معنای دیگری که از این واژه به دست می‌آید نیز توجه نموده است.

۲- مشکینی «قسوره» را به این صورت صیادی (یا شیری) ترجمه نموده است. بر این ترجمه این نقد وارد است که معنای اصلی این واژه در آیه مورد نظر را به صورت توضیح آورده است، در حالی که باید این کار برعکس می‌شد و شیر را به عنوان ترجمه اصلی و صیاد را به عنوان توضیح قرار می‌داد.

۳- نوبری «قسوره» را به یک دسته جماعت تیرانداز ترجمه کرده است. در ترجمه نوبری به معنای اصلی آن که با توجه به سیاق به دست می‌آید، توجه نشده است و وی اصلاً اسمی از شیر نبرده است.

۴- ترجمه دهم هجری که مترجم آن معلوم نیست و به کوشش علی رواقی به چاپ رسیده است، به این صورت شیر تیراندازان صیادان، ترجمه شده است. این ترجمه روان نیست و زیرا سه ترجمه را پشت سر هم بدون اینکه در بین آنها ویرگول یا نقطه‌ای قرار

دهد، آورده است. وی باید شیر را به عنوان ترجمه اصلی و دو ترجمه دیگر را به عنوان ترجمه‌ی دیگری که امکان داشت برای این واژه باشد، می‌آورد.

۵- کشف الاسرار «قسوره» را به شیر و صیاد ترجمه کرده است. بهتر این بود که وی نیز شیر را اصل قرار می‌داد و صیاد را در داخل پرانتز می‌آورد.

۶- در ترجمه نسفی، شیر، صیاد و تیر آمده است. این ترجمه نیز باید مانند دو ترجمه قبل عمل می‌نمود.



نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی‌های انجام گرفته در این مقاله به دست آمد عبارت است از:

۱- واژه «قسوره» از واژگان تک کاربرد قرآن است که فقط یک مرتبه در قرآن و آن هم در سوره مدثر آیه ۵۱ آمده است.

۲- در مورد مفرد و جمع بودن «قسوره» اختلاف وجود دارد، ولی به احتمال زیاد این واژه اسم جمع یا همان اسم عام است.

۳- براساس دلایل مختلف مانند وجود فعل و شبه فعل از ماده «قسر» در کلام عرب و اشعار جاهلیت و همچنین نبودن دلیل کافی بر معرب بودن این کلمه و ورود آن از زبان فارسی یا حبشی، عدم تصریح عالمان لغت و همچنین مویداتی از روایات نمی‌توان معرب بودن این واژه را پذیرفت.

۴- عالمان لغت معانی مختلفی برای واژه «قسوره» ذکر کرده‌اند که عبارتند از: شکارچی و تیرانداز، شیر (حیوان درنده)، بخشی از شب، جوانان و مردان نیرومند و شجاع، شتر قدرتمند و فریه و ... از بررسی معانی مختلف به نظر می‌رسد که اصل در معنای «قسوره»، «غلبه و قدرت و نیرومندی» می‌باشد که کاملاً با بیشتر معانی گفته شده مانند تیرانداز، شیر، فرد توانا و ... نسبت معنایی دارد.

۵- مفسران در ذیل آیه ۵۱ سوره نساء معانی مختلفی برای واژه «قسوره» ذکر کرده‌اند، اما در عین حال این معانی نزدیک به هم بوده و برخی مانند شیر و شکارچی (تیرانداز) به عنوان معنای اصلی آن می‌باشند که با سیاق آیه هماهنگی کامل دارد و معانی دیگر معانی کنایی و استعاری می‌باشند.

۶- «قسوره» در اشعار قبل از اسلام به صورت مشتقات مختلف و به معنای: قسمت اعظم شب، گیاه و درخت مخصوص، مردان قوی و نیرومند و شیر (حیوان درنده) به کار رفته است که این کثرت استعمال دلیلی بر این است که این واژه معرب نبوده و قبل از نزول قرآن در اشعار و محاورات عرب کاربرد داشته است.

۷- «قسوره» در روایات نیز به معنای شیر (حیوان درنده) آمده است.

۸- بیشتر مترجمان قرآن این واژه را به معنای «شیر» (حیوان درنده) ترجمه کرده‌اند.

۹- از بررسی سیر تاریخی مفهوم واژه «قسوره» قبل، حین و پس از نزول قرآن این نکته به دست می‌آید که این واژه در گذر زمان تطور معنایی چندانی نداشته و همان معنای خود را حفظ کرده است.

کتابنامه

- قرآن کریم: ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق): «تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم»، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ سوم.
- ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله (۱۴۲۴ق): «تفسیر ابن ابی زمنین»، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد شیبانی (۱۳۶۷ش): «النهایه فی غریب الحدیث و الأثر»، مصحح: طناحی، محمود محمد؛ زاوی، طاهر احمد، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق): «زاد المسیر فی علم التفسیر»، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ اول.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م): «جمهره اللغه»، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق): «المحکم و المحيط الأعظم»، مصحح: عبدالحمید هندادی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی تا): «المخصص»، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق): «تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور»، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق): «معجم مقاییس اللغه»، مصحح: هارون عبد السلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق): «تفسیر غریب القرآن ابن قتیبه»، شارح: ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار مکتبه الهلال، چاپ اول.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق): «تفسیر القرآن العظیم»، محقق: محمدحسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، مصحح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۲۰۰۳م): «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، مصحح: ناصح، ابوشوفه، احمد عمر، المعجزه القرآنیه، لیبی: دارالکتب الوطنیه.
- ابو عبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱ق): «مجاز القرآن»، محقق: فواد سزگین، قاهره: مکتبه الخانجی، چاپ اول.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق): «تهذیب اللغه»، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- ادی شیر، السید (۱۳۸۶ش): «واژه های فارسی عربی شده»، مترجم: سید حمید طیبیان، تهران: امیرکبیر.
- اسماعیل صینی، محمود (۱۴۱۴ق): «المکنز العربی المعاصر»، بیروت: مکتبه لبنان ناشرین، چاپ اول.
- امام شوشتری، محمدعلی (۱۳۴۷ش): «واژه های فارسی در زبان عربی»، تهران: بهمن.
- بدوی، عبد الرحمن؛ سیدی، سید حسین (۱۳۸۳ش): «دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان»، مشهد: چاپ اول.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق): «تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل»، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق): «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور»، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ سوم.
- بلاسی، محمد السید علی (۲۰۰۱م): «المعرب فی القرآن»، بنگازی: جمعیه الدعوه الاسلامیه العالمیه، چاپ اول.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق): «الکشف و البیان المعروف بتفسیر الثعلبی»، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- جبران مسعود، (۱۳۸۹ش): «فرهنگ الفبایی عربی - فارسی»، ترجمه: رضا انزابی نژاد، مشهد: آستان

- قدس رضوی، چاپ ششم.
- جفری، آرتور (۱۳۸۶ش): «واژه‌های دخیل در قرآن»، مترجم: فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات توس، چاپ دوم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ش): «تاج اللغة و صحاح العربیة»، مصحح: احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.
- حنفی، عبد المنعم (۲۰۰۴م): «موسوعه القرآن العظیم»، القاهرة: مکتبه مدبولی، چاپ اول.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق): «شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام»، مصحح: اریانی، مطهر بن علی؛ عبدالله، یوسف محمد؛ عمری، حسین بن عبدالله، دمشق: دارالفکر، چاپ اول.
- خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق): «تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل»، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.
- دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق): «تفسیر بن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم»، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق): «مفردات الفاظ قرآن»، مصحح: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دارالقلم - الدار الشامیه، چاپ اول.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق): «التفسیر المنیر»، دمشق: دارالفکر، چاپ دوم.
- زرکشی، محمدبن عبدالله (۱۴۱۰ق): «البرهان فی علوم القرآن»، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول.
- زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷ق): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل»، مصحح: مصطفی حسین احمد، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم.
- _____ (۱۹۷۹م): «أساس البلاغۀ»، بیروت: دار صادر، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۷ق): «الفائق فی غریب الحدیث»، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق): «تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم»، محقق: عمر عمروی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱ق): «الإیتقان فی علوم القرآن»، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۰۸ق): «المهذب فیما وقع فی القرآن من المعرب»، تحقیق: سمیر حسین حلبی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- _____ (۱۴۳۱ق): «المتوکلی فیما فی القرآن من اللغات العجمیه»، تحقیق: جمیل عبدالله عویضه، بی جا: بی نا.
- شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق): «فتح القدر»، دمشق: دار ابن کثیر، چاپ اول.
- شیبانی، محمدبن حسن (۱۹۷۵م): «کتاب الجیم»، مصحح: ابراهیم ابیاری، قاهره: الهیئة العامه لشئون المطابع الامیریة.
- شیخ علوان، نعمه‌الله بن محمود (۱۹۹۹م): «الفواتح الإلهیه و المفاتح الغیبیه الموضحة للكلم القرآنیة و الحكم الفرقانیة»، قاهره: دار رکابی للنشر، چاپ اول.
- صابونی، محمدعلی (۱۴۰۵ق): «التبیان فی علوم القرآن»، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول.
- صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق): «المحیط فی اللغة»، مصحح: محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱ق): «تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق»، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول.
- طاهری، حبیب الله (۱۳۷۷): «درس‌هایی از علوم قرآنی»، قم: اسوه، چاپ اول.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م): «التفسیر الکبیر تفسیر القرآن العظیم طبرانی»، اربد: دارالکتب الثقافی، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی

- و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
- (۱۴۱۲ق): «تفسیر جوامع الجامع»، قم: حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن تفسیر الطبری»، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش): «مجمع البحرين»، مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- علاف، ادیب (۱۴۲۲ق): «البیان فی علوم القرآن»، دمشق: مکتبه الفارابی، چاپ اول.
- فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق): «التفسیر الکبیر مفاتیح الغیب»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م): «معانی القرآن فراء»، محقق: محمدعلی نجار و احمد یوسف نجاتی، قاهره: الهيئة المصریة العامة للكتاب، چاپ دوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق): «کتاب العین»، قم: نشر هجرت.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۵ق): «القاموس المحیط»، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- قرشی بناپی، علی اکبر (۱۳۷۱ش): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ ششم.
- قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴ش): «الجامع لأحكام القرآن»، تهران: ناصر خسرو، چاپ اول.
- قمی، عباس (۱۳۸۶ش): «الدر النظیم فی لغات القرآن العظیم»، مترجم: محمدصادق عارف، تحقیق و تصحیح: رضا استادی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۳۳ش): «تفسیر القمی»، محقق: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، چاپ سوم.
- ماتریدی، محمدبن محمد (۱۴۲۶ق): «تأویلات أهل السنة تفسیر الماتریدی»، محقق: مجدی باسلوم، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- ماوردی، علی بن محمد (بی تا): «النکت و العیون تفسیر الماوردی»، مراجعه و تعلیق: عبدالرحیم، سید بن عبدالقصد، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق): «بحار الأنوار»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- مرتضی زبیدی، محمدبن محمد (۱۴۱۴ق): «تاج العروس من جواهر القاموس»، مصحح: علی شیری، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۸ق): «التفسیر و المفسرون»، مشهد: الرضویة للعلوم الاسلامیة، چاپ اول.
- — (۱۴۱۵ق): «التمهید فی علوم القرآن»، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق): «الإختصاص»، مصحح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، چاپ اول.
- — (۱۴۱۳ق): «الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد»، مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق): «تفسیر مقاتل بن سلیمان»، محقق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مهدوی، حمید (۱۳۹۳): «فرهنگ مبین»، تهران: نشر احسان، چاپ اول.
- موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰ق): «الإفصاح فی فقه اللغة»، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ چهارم.
- نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق): «اعراب القرآن (نحاس)»، حاشیة نویسنده: ابراهیم عبدالمنعم خلیل، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.
- هروی، محمدبن یوسف (۱۳۸۷ش): «بحر الجواهر (معجم الطب الطبیعی)»، قم: جلال الدین، چاپ اول.
- یزیدی، عبدالله بن یحیی (۱۴۰۵ق): «غریب القرآن و تفسیره»، محقق: الحاج محمد سلیم، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول.

bibliography

- The Noble Qur'an: Translated by Ayatollah Makarim Shirazi.
- Ibn Abi Hatim, Abd al-Rahman bin Muhammad (1419 AH): "The Interpretation of the Great Qur'an Ibn Abi Hatim", Riyadh: Nizar Mustafa Al-Baz Library, third edition.
- Ibn Abi Zaminin, Muhammad bin Abdullah (1424 AH): "Tafsir of Ibn Abi Zaminin", Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Beydoun, first edition.
- Ibn Atheer Jazari, Mubarak Ibn Muhammad Shaibani (1367 SH.): "The End in Gharib al-Hadith wa al-Athar", corrected by: Tanahi, Mahmoud Muhammad; Zawi, Taher Ahmad, Qom: The Ismailian Publications Institute, fourth edition.
- Ibn Jawzi, Abd al-Rahman bin Ali (1422 AH): "Increasing the path in the science of interpretation." Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, first chapter.
- Ibn Duraid, Muhammad Ibn Hasan (1988): "The Gathering of Language", Beirut: Dar Al-Ilm for Millions, first edition.
- Ibn Sayyidah, Ali Ibn Ismail (1421 AH): "Al-Hakam and the Great Ocean", corrected by: Abdul Hamid Hindawi, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyya.
- Ibn Sayyidah, Ali Ibn Ismail (Peta): "Al-Muhassad", Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyya, first edition.
- Ibn Ashour, Muhammad Taher (1420 AH): "The Tafsir of Liberation and Enlightenment known as Ibn Ashour's Tafsir," Beirut: Foundation for Arab History, Chap.
- Ibn Faris, Ahmad ibn Faris (1404 AH): "A Dictionary of Language Measures," corrected by: Harun Abd al-Salam Muhammad, Qom: Islamic Information Office, first edition.
- Ibn Qutayba, Abdullah bin Muslim (1411 AH): "The interpretation of the strange Qur'an Ibn Qutayba," commentator: Ibrahim Muhammad Ramadan, Beirut: Al-Hilal Library House, first chapter.
- Ibn Kathir, Ismael Ibn Omar (1419 AH): "The Interpretation of the Great Qur'an," Investigator: Muhammad Husayn Shams al-Din, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Beydoun, first chapter.
- Ibn Manzur, Muhammad Ibn Makram (1414 AH): "Lisan al-Arab", corrected by: Jamal al-Din Mirdamadi, Beirut: Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution - Dar Sader, third edition.
- Abul Fotouh Razi, Hussein Bin Ali (2003): "The Gardens of Heaven and the Spirit of Heaven in the Interpretation of the Qur'an", corrected: Adviser, Abu Shofa, Ahmed Omar, The Qur'anic Miracle, Libyan: Dar Al-Kutub Al-Wataniya.
- Abu Ubaidah, Muammar Ibn Muthanna (1381 SH): "Metaphor of the Qur'an," Investigator: Fouad Sezgin, Cairo: Al-Khanji Library, first edition.
- Azhari, Muhammad bin Ahmed (1421AH): "Refinement of the Language," Beirut: House of Revival of Arab Heritage.
- Adi Sher, Al-Sayyid (1386 SH): "Waghehhai Farsi, Shadda," translated by: Seyyed Hamid Tabibian, Tehran: Amir Kabir.
- Ismail China, Mahmoud (1414 AH): "The Contemporary Arab Thesaurus," Beirut:



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

- Library of Lebanon Publishers.
- Imam Shoushtari, Muhammad Ali (1347 SH): “Waghehhai Farsi dar Zaban Arabic,” Tehran: Bahman.
 - Badawy, Abd al-Rahman; Sidi, Seyyed Hossein (1383 SH): “Defense of the Qur’an, Dar Barbar Aray Khawarshnasan,” Mashhad: First edition.
 - Baghawi, Hussein bin Masoud (1420 AH): “The interpretation of Al-Baghawi called the features of the download,” Beirut: House of Revival of Arab Heritage, Chap.
 - Bekai, Ibrahim bin Omar (1427 AH): “Nazm al-Durar in proportion to verses and surahs”, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Beydoun, third edition.
 - Blasi, Muhammad al-Sayyid Ali (2001): “The Arabizer in the Qur’an,” Benghazi: The International Islamic Call Society, first edition.
 - Thalabi, Ahmad bin Muhammad (1422 AH): “Al-Kashf and Al-Bayan Known as Tafsir Al-Thalabi”, Beirut: House of Revival of Arab Heritage.
 - Gibran Masoud, (1389 SH.): “Farhang Al-Fabai Arabic-Persian”, translated by: Reza Anzabi Nejad, Mashhad: Astan Quds Razavi, sixth edition.
 - Gefri, Artur (1386 SH): “Waghahi Dakhil Dur Qur’an”, translated by: Fereydoun Badrahi, Tehran: Tus Spreads, second edition.
 - Jawhari, Ismael bin Hammad, (1376 SH): “The Crown of Language and Sihah Al-Arabiya”, corrected by: Ahmed Abdel Ghafour Attar, Beirut: Dar Al-Alam for Millions, first edition.
 - Hefni, Abdel Moneim (2004): “Encyclopedia of the Great Qur’an,” Cairo: Madbouly Library, first edition.
 - Himyri, Nashwan bin Said (1420 AH): “The Sun of Science and the Medicine of the Kalam of the Arabs is from the Klum.” Corrected by: Iryani, Mutahar bin Ali; Abdullah, Youssef Mohammed; Omari, Hussein bin Abdullah, Damascus: Dar Al-Fikr, first chapter.
 - Khazen, Ali Ibn Muhammad (1415 AH): “The interpretation of al-Khazin named for the chapter on interpretation in the meanings of the download,” Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Beydoun, first chapter.
 - Dinori, Abdullah bin Muhammad (1424 AH): “Tafsir bin Wahb, which is clearly named in the interpretation of the Noble Qur’an,” Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Beydoun, first edition.
 - Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad (1412 AH): “The Vocabulary of the Qur’an”, corrected by: Safwan Adnan Daoudi, Beirut - Damascus: Dar Al-Qalam - Al-Dar Al-Shamiya, first chapter.
 - Zuhaili, Wahba (1411 AH): “The Enlightening Interpretation,” Damascus: Dar Al-Fikr, second edition.
 - Zarkashi, Muhammad bin Abdullah (1410 AH): “The Proof in the Sciences of the Qur’an,” Beirut: Dar Al-Marefa, first edition.
 - Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1407 AH): “Al-Kashf about the Realities of the Mysteries of Revelation and the Eyes of Sayings in the Faces of Interpretation”,



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

- Corrected by: Muṣṭafa Hussein Ahmed, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi, third edition.
- _____ (1979): "The Basis of Rhetoric", Beirut: Dar Sader.
 - _____ (1417 AH): "Al-Fateq fi Gharib Al-Hadith," Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyya.
 - Samarkandi, Nasr ibn Muhammad (1416 AH): "The interpretation of al-Samarqandi called Bahr al-Ulum," Investigator: Omar Amroi, Beirut: Dar al-Fikr, first chapter.
 - Siouti, Jalal al-Din (1421 AH): "The Perfection in the Sciences of the Qur'an", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, second edition.
 - _____ (1408 AH): "The polite in what occurred in the Qur'an from the Arabised," investigation: Samir Hussein Halabi, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmia, first chapter.
 - _____ (1431 AH): "Al-Mutawakkil in what is in the Qur'an from foreign languages." Investigation: Jamil Abdullah Aweidah, Beja: Bina.
 - Shawkani, Muhammad (1414 AH): "The Conquest of the Powerful." Damascus: Ibn Katheer House, first edition.
 - Shaibani, Muhammad bin Hassan (1975): "Kitab Al-Jim", corrected by: Ibrahim Abi-ari, Cairo: The General Authority for Amiri Press Affairs.
 - Sheikh Alwan, Ni'matullah bin Mahmoud (1999): "The Divine Al-Fatihah and the Unseen Al-Fatihah Explaining the Qur'anic Words and the Divine Judgment", Cairo: Dar Rikabi Publishing, first edition.
 - Sabouni, Muhammad Ali (1405 AH): "Al-Tibayan fi Ulum Al-Qur'an," Beirut: The World of Books, first edition.
 - Sahib bin Abbad, Ismail (1414 AH): "The Ocean in Language", corrected by: Muhammad Hassan Al Yassin, Beirut: The World of the Book.
 - San'ani, Abd al-Razzaq ibn Hammam (1411 AH): "The Interpretation of the Holy Qur'an called Explanation of Abd al-Razzaq," Beirut: Dar al-Maarifa, first chapter.
 - Taheri, Habibullah (1377SH): "Derasahi az Qur'anic sciences," Qom: Aswa, first chap.
 - Tabatabai, Muhammad Husayn (1390 SH): "The Balance in the Interpretation of the Qur'an," Beirut: Al-Alamy Publications Institution, second edition.
 - Tabarani, Suleiman bin Ahmed (2008): "The Great Interpretation of the Great Qur'an Tabarani", Irbid: Dar Al-Kitab Al-Thaqafi, first edition.
 - Tabarsi, Fadlbin Hassan (1372 SH): "Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", corrected by: Fadlallah Yazdi Tabatabai and Hashem Rasouli, Tehran: Nasir Khusraw, Chap Som.
 - _____ (1412 AH): "Tafsir of the Jami' Mosques," Qom: Qom Seminary, first edition.
 - Tabari, Muhammad bin Jarir (1412 AH): "Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tafsir al-Tabari", Beirut: Dar al-Maarifa, first chapter.
 - Turaihi, Fakhruddin bin Muhammad (1375 SH): «Bahrain Complex», corrected by: Ahmad Hosseini Ashkouri, Tehran: Mortazavi, third edition.



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

- ____ (1413 AH): "Guidance in knowing God's proofs against His servants." Corrected by: Foundation of Aal al-Bayt, peace be upon them, Qom: Kangarh Sheikh Mufid, first edition.
- Muqatil bin Suleiman (1423 AH): "The Interpretation of Muqatil bin Suleiman", Investigator: Abdullah Mahmoud Shehata, Beirut: House of Revival of Arab Heritage.
- Mahdavi, Hamid (1393SH): "Farhang Mobin", Tehran: Ehsan Publishing, Chap Awal.
- Musa, Hussain Yusuf (1410 AH.): "Al-Isfah fi Fiqh al-Lughah," Qom: Islamic Information Office, fourth edition.
- Nahas, Ahmed bin Muhammad (1421 AH.): "The Arabs of the Qur'an (Nahas)", Nuwais' footnote: Ibrahim Abdel Moneim Khalil, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmia, Publications of Muhammad Ali Beydoun, first edition.
- Harwi, Muhammad ibn Yusuf (1387 SH.): "Bahr al-Jawahir (Dictionary of Natural Medicine)," Qom: Jalal al-Din.
- Yazidi, Abdullah bin Yahya (1405 AH): "The Stranger of the Qur'an and its Interpretation," Investigator:

